

بررسی عوامل مؤثر بر سازمان و مدیریت سیاسی فضا در کشورهای جهان^۱

دکتر ابوالفضل کاوندی کاتب* - پژوهشگر فرادکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
دکتر محمدرضا حافظ‌نیا - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹

DOR:20.1001.1.17354331.1400.17.2.2.5

چکیده

سازماندهی سیاسی فضا، فرآیند تقسیم و مرزبندی پهنه سرزمینی با هدف مدیریت بهینه سیاسی فضا است. هدف این مقاله تبیین استراتژی ملی کشورها در سازماندهی و مدیریت سیاسی فضای آنهاست. ایجاد و تغییر در سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا، از الگوهای مختلفی پیروی می‌کند و اولین سطح، اهمیت بیشتری دارد. مقاله با این پرسش روبه‌روست: تغییرات در سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای جهان، طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰ میلادی چه وضعیتی را پشت سر گذاشته و چه عواملی در آن تأثیرگذار بوده‌اند؟ روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، منابع کتابخانه‌ای و از نرم‌افزارهای EXCEL و SPSS در مباحث آماری استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد، استراتژی کشورها در سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا از سه الگوی افزایش، کاهش و ثابت در تعداد استان‌ها پیروی می‌کند. پنج عامل جمعیت، وسعت، تولید ناخالص داخلی، شاخص توسعه انسانی و امنیت، در کنار مسایل جهانی، تأثیرات متفاوتی در تغییرات استانی ۱۹۱ کشور جهان داشته‌اند. همچنین کشورهایی که تغییرات کمتری در سازماندهی سیاسی فضای جغرافیایی داشته‌اند، موفقیت بیشتری در دستیابی به اهداف مدیریت سیاسی فضا کسب کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: سازماندهی سیاسی فضا، مدیریت سیاسی فضا، تقسیمات کشوری، جهان و ایران.

۱. این مقاله برگرفته از پژوهش فرادکتری در رشته جغرافیای سیاسی با عنوان «تدوین استراتژی اولویت‌های مدیریت سیاسی فضا در ج.ا.ایران» است که با حمایت صندوق حمایت از فناوران و نوآوران معاونت علمی ریاست جمهوری در دانشگاه تربیت مدرس انجام شده است.

*نویسنده عهده‌دار مکاتبات

۱. مقدمه

مدیریت سیاسی فضا، بر نحوه شکل‌گیری سازماندهی سیاسی فضا، مدیریت سیاسی، اداره بهینه فضای جغرافیایی، نحوه و میزان توزیع قدرت سیاسی و اجرایی تأثیرگذار است. لذا در مدیریت سیاسی و اداره بهتر امور و تنظیم روابط افقی و عمودی آن با دیگر نواحی و تعریف و استقرار نهادهای سازمانی محلی، مرزهای ناحیه و کانون، نیاز به سازماندهی سیاسی است (Hafeznia and Kavianirad, 2004:22). با توجه به حجم گسترده تحولات سیاسی، ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشورهای جهان پس از جنگ جهانی دوم، مطالعه استراتژی کشورها در مدیریت سیاسی فضا و میزان و تعداد تغییرات سازماندهی سیاسی فضای جغرافیایی آن‌ها اهمیت می‌یابد. مهم‌ترین سطح سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا در کشورهای جهان سطح اول آن است که بسته به الگوی مدیریت سیاسی فضا، نام‌هایی چون استان، ایالت، خودمختاری و... را با خود به همراه دارد. هدف این مقاله، درک استراتژی مدیریت سیاسی فضای کشورهای جهان و همچنین درک چرایی تغییرات و یا عدم تغییرات در سازماندهی سیاسی فضا و تقسیمات کشوری در کشورهای جهان است. اینکه کشورها طی شصت سال گذشته چه تغییراتی و با چه الزاماتی، در تعداد استان‌های خود انجام داده‌اند و نتایج حاصله برای آن‌ها چه بوده است. این مهم می‌تواند الگو و تجربه مدیریتی مهمی برای کشورداری، سازماندهی سیاسی فضای جغرافیایی و استراتژی ملی کشورها در آینده ارائه دهد. به همین منظور، پنج عامل جمعیت، وسعت، سرانه تولید ناخالص داخلی، شاخص توسعه انسانی و امنیت که از مهمترین و تأثیرگذارترین عوامل در سازماندهی مدیریت سیاسی فضا هستند، شناسایی و با استفاده از داده‌های آماری، بر روی ۱۹۱ کشور جهان مورد سنجش قرار گرفتند. میزان تأثیرگذاری هر یک از این عوامل پنج‌گانه در سازماندهی سیاسی فضا، می‌تواند روشنگر استراتژی ملی مدیریت سیاسی فضای کشورها باشد. دوره زمانی مورد بررسی نیز سال‌های میان ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰ میلادی است که طی این سال‌ها، میزان تغییرات، میزان اثرگذاری هر یک از عوامل پنج‌گانه، تأثیر شرایط بین‌المللی و جهانی و پراکندگی جغرافیایی تغییرات مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای است. بخش عمده منابع این پژوهش، داده‌های آماری مربوط به ۱۹۱ کشور جهان در شش بخش تعداد استان‌ها (۲۰۲۰-۱۹۶۰ میلادی)، جمعیت (۲۰۲۰-۱۹۶۰ م.)، وسعت کشورها (۲۰۱۸ م.)، سرانه تولید ناخالص داخلی (۲۰۱۸-۱۹۶۰ م.)، شاخص توسعه انسانی (۲۰۱۸-۱۹۹۰ م.) و امنیت (۲۰۱۹-۲۰۰۸ م.) است. برای محاسبه نرخ و درصد رشد هر یک از شاخص‌ها، رتبه‌بندی کشورها، شاخص‌های مرکزی، میانگین و محاسبه فرمول‌ها، از نرم‌افزارهای EXCEL و SPSS استفاده شده است. با توجه به حجم داده‌ها، نتایج حاصل از محاسبات به کمک آمار توصیفی پس از تنظیم و طبقه‌بندی، به صورت نقشه، جدول و نمودار درآمد و در نهایت استدلال و ارزیابی شدند.

برای سنجش عامل «جمعیت»، نرخ رشد افزایش جمعیت از نرخ رشد افزایش تعداد استان‌ها طی شصت سال، کاسته شده و عدد به دست آمده هر چه به صفر نزدیک‌تر باشد، تأثیر عامل جمعیت را در استراتژی مدیریت سیاسی فضای ملی کشورها نشان می‌دهد. برای سنجش «وسعت»، در یک فرمول، درصد تغییرات نسبت وسعت کشور به تعداد استان‌ها طی دو دوره متوالی در نظر گرفته شد. براین اساس هر چه درصد به دست آمده پایین‌تر باشد، گویای سرزمین محور بودن استراتژی مدیریت سیاسی فضا در کشورهاست. پس از محاسبه «نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی» کشورها طی شصت سال، به کمک یک جدول، رابطه میان اقتصاد ملی و درصد تغییرات در سطح اول سازماندهی سیاسی فضا معنایابی می‌شود. اینکه رشد اقتصاد ملی در استراتژی مدیریت سیاسی فضا کشورها چه تأثیری داشته است. در این مقاله، میانگین عددی بیست و هشت ساله «شاخص توسعه انسانی» کشورها، در پنج ستون از سطح عالی تا سطح پایین طیف‌بندی شد. سپس با جای‌گذاری تغییرات سازماندهی سیاسی فضا کشورها، میزان موفقیت این تغییرات در دستیابی به اهداف مدیریت سیاسی فضا و توسعه مورد بررسی قرار گرفت. برای دسترسی کمی به امنیت کشورها نیز «شاخص صلح جهانی» الگوی مناسبی است. میانگین دوازده ساله کشورها با توجه به سطوح امنیتی، در پنج ستون از بسیار امن تا ناامن قرار گرفت. سپس فهرست کشورها با توجه به تغییرات تعداد استان‌ها در آن‌ها جاگذاری شد. این رابطه نشان می‌دهد، عامل امنیت تا چه اندازه در استراتژی مدیریت

سیاسی فضای کشورها اهمیت داشته است.

۳. مبانی نظری

قرن بیستم، قرن سازماندهی سیاسی فضای ملی و محلی است. در این قرن کره زمین و جمعیت جهان بیشترین ناحیه‌سازی، قلمروسازی، مرزبندی، کشورسازی، ایالت‌سازی، استان‌سازی و در مجموع تقسیم‌بندی سیاسی فضای جغرافیایی را شاهد بوده است. سازماندهی سیاسی فضا، فرآیند تقسیم و مرزبندی پهنه سرزمینی با هدف مدیریت بهینه آن است و کشورها را گریزی از آن نیست. ایجاد و تغییر در سطوح مختلف تقسیمات کشوری، از اهداف و الگوهای مختلفی پیروی می‌کند و اولین سطح از تقسیمات کشوری اهمیت بیشتری نسبت به سطوح دیگر دارد. عناوین مختلف استان، ایالت، ناحیه^۱ و... به سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای گوناگون اطلاق می‌شود. این موضوع بسته به نوع نظام سیاسی، نوع مدیریت سیاسی فضا، میزان اختیارات سطح اول تقسیمات کشوری، پیشینه تاریخی کشور و... بستگی دارد که در این جا به طور مختصر برخی از عناوینها شرح داده می‌شود:

الف) استان (Province): تقسیمات استانی، بیشتر در کشورهای متمرکز است و حکومت مرکزی خود رأساً آن را ایجاد می‌کند. استان‌ها کمترین اختیارات را نسبت به دیگر انواع نظام‌ها و مدیریت سیاسی فضا در کشورهای جهان دارا هستند و حکومت مرکزی نقش محوری در اداره و تعیین مدیران آن دارد. این الگو ریشه باستانی دارد و گونه مدرن آن از فرانسه به سراسر جهان گسترش یافت. امروزه کشورهای بسیاری سطح اول تقسیمات کشوری خود را استان می‌نامند. هر چند این نامگذاری با توجه به زبان ملی و بومی آن کشورها صورت گرفته، اما نوع مدیریت سیاسی فضا در این کشورها بر اساس همان سیستم متمرکز است. برای مثال در کشورهایی چون بورکینافاسو، برون‌دی، گابن، کنیا و... دقیقاً همان عنوان فرانسوی (Province)، به کار می‌رود. اما در کشورهای متمرکز دیگری همچون ایران، «استان»، در بسیاری از کشورهای عربی، «محافظة»، در افغانستان،

1. Province

2. State

3. Region

الجزایر، عمان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان، «ولایت»، در مستعمرات سابق پرتغال «provincia»، در مستعمرات سابق اسپانیا «provincia» و... می نامند.

ب) ایالت (State): عنوان ایالت، در کشورهایی با الگوی مدیریت سیاسی فدرال، به کار می رود. فدرالیسم، نوعی روش حکومتی نامتمرکز و سطح اختیار ایالات بیشترین میزان نسبت به دیگر الگوهای مدیریت سیاسی فضا است. حکومت مرکزی در این کشورها، نقش هماهنگ کننده امور میان ایالت ها را بر عهده دارد. بسته به قانون اساسی کشورها، ایالات می توانند، قانون اساسی، نظام قضایی، پلیس محلی و... خود را داشته باشند، اما در مسایلی چون سیاست خارجی و دفاع ملی، تحت تسلط حکومت مرکزی هستند. در کشورهای استرالیا، هند، ایالات متحده آمریکا، سومالی و نیجریه، از عنوان انگلیسی «State» استفاده می شود؛ اما در دیگر کشورهای فدرال همچون برزیل «Estados»، امارات متحده عربی «امارت»، سوئیس «Cantons»، سودان و سودان جنوبی «ولایت»، روسیه «Oblast»، پاکستان «صوبی» و آلمان و اتریش «Land» گفته می شود.

ج) خودمختاری (Autonomous): نواحی خودمختار در هر یک از کشورهای متمرکز و یا فدرال می توانند وجود داشته باشند. در الگوی خودمختاری، نواحی می توانند با توجه میزان توافقات، اداره امور داخلی خود را بر عهده بگیرند. نواحی خودمختار تا حدی از نظام فدرالی متفاوت هستند. خودمختاری شرایط خاصی را با توجه ویژگی های جغرافیایی، اجتماعی، اقلیتی و... خود، نسبت به بدنه اصلی کشور دارد و با اعطای خودمختاری، حکومت ها تلاش دارند تا آن نواحی را در درون کشور خود حفظ کنند. آبخازیا در گرجستان، صحرای غربی در مراکش، نخجوان در جمهوری آذربایجان، اقلیم کردستان در عراق و... از نمونه های خودمختاری یا خودگردانی در جهان هستند. مهم ترین نوع خودمختاری در اسپانیا مشاهده می شود که از ۱۷ خودمختاری تشکیل می شود.

د) شهر پایتختی: برخی شهرها، همچون واشنگتن در ایالات متحده آمریکا، به تنهایی به عنوان یک واحد مستقل تقسیمات کشوری در نظر گرفته شده و در شمار اولین سطح از تقسیمات کشوری به شمار می آید.

ر) ناحیه (Region): در جغرافیای سیاسی و در تقسیمات سیاسی - اداری، ناحیه به تقسیمات سیاسی واحدی اطلاق می‌شود که کشورها گاه آن را با توجه به استراتژی‌های سیاسی، اداری، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و... در کشور خود اعمال می‌کنند. این تقسیمات هم می‌تواند معادل استان یا ایالت باشد و یا مجموعه‌ای از استان‌هایی باشد که در یک تقسیمات بزرگتر لحاظ می‌شوند. این ناحیه‌بندی‌ها گاه تنها کارکردهای خاصی همچون کارکرد اقتصادی (جمهوری آذربایجان)، کارکرد جغرافیایی، زبانی و فرهنگی (بلژیک) و گاه به عنوان اولین سطح از تقسیمات کشوری لحاظ می‌شوند (پرتغال و ایتالیا).

س) بخش (Department): هم‌اکنون ۱۱ کشور جهان سطح اول تقسیمات خود را بخش می‌نامند. این کشورها وسعت کمی دارند (بنین، بولیوی، کلمبیا، جمهوری کنگو، السالوادور، گواتمالا، هائیتی، هندوراس، نیکاراگوئه، پرو، اروگوئه). در برخی کشورها نیز بخش، دومین سطح از تقسیمات کشوری به شمار می‌آید (فرانسه، بورکینافاسو، کامرون، چاد، ساحل عاج، گابن، موریتانی، نیجر، سنگال). بخش با هدف هویت بخشی سیاسی - فرهنگی به نواحی محلی کوچک‌تر اتفاق می‌افتد. چنانچه در کشورهای کوچکی همچون هندوراس از این عنوان استفاده شده است.

چگونگی ماندگاری این قلمروهای استانی در جهان یکی از مقوله‌های بحث برانگیز قرن بیست و یکم خواهد بود (Alimohammadi et al, 2008: 180). بلکه مسلماً معتقد است ایجاد تغییرات مداوم در سازماندهی سیاسی فضای ملی نشان از آشفتگی سیاسی در کشورهاست (Blacksell, 2006: 58). این تغییرات، جدای از شکل نظام سیاسی است؛ چنانکه هم در کشورهای متمرکز (ترکیه، ویتنام و...) و هم در کشورهای فدرال (نیجریه، کانادا، برزیل و...) پدید آمده‌اند. با این حال کشورهای متمرکز تغییرات بیشتری ایجاد کرده‌اند.

گسترش هرچه بیشتر جوامع و توسعه جغرافیایی و جمعیتی حوزه‌های انسانی یکی از الزاماتی است که حکومت‌ها را به تجدید نظر در مدیریت سیاسی فضای ملی و برقراری تقسیمات کشوری جدید برای اعمال امور اداری و مدنی خود وا می‌دارد. گاهی این تقسیمات جدید بر اساس مواردی چون قومیت‌ها و اعمال سیاست‌های اقتصادی و سیاسی خاص است (Ahmadipoor et al, 2009: 30). مجارستان از کشورهای متمرکز اروپایی است که بیشترین تغییرات در سطح اول تقسیمات کشوری

را تجربه کرده است. این موضوع بیشتر تحت تأثیر موقعیت استراتژیک مجارستان و اصلاحات اداری در پی تغییر در ساختار اقتصادی، جامعه، سیاست و تغییر در مرزهای این کشور بود (Hajdu, 1988: 49-58). در کشورهای فدرالی همانند پاکستان نیز تقاضا برای ایجاد استان‌های جدید افزایش یافته است. این مهم با توجه مسایل امنیتی این کشور به ویژه در مواجهه با هند است (Latif, 2017: 104-114). تصمیم‌گیری در رابطه با تقسیمات کشوری به سادگی نیست؛ برای نمونه در ایران تنش‌هایی را در برداشته است (Akhbari and Yadollahi, 2005: 27-50).

به طور کلی و با توجه نوع مدیریت سیاسی فضا، دو شکل از کشورها وجود دارند، متمرکز و فدرال. کشورهای متمرکز بر حول یک مرکز سیاسی واحد ایجاد شده و قلمرو کشور تحت کنترل کامل مرکز است. اما در کشورهای فدرال مراکز قدرت متعددی وجود دارد که کشور می‌تواند حاصل پیوند میان آن‌ها بوده باشد (Rennie Short, 2003: 99-100). ماهیت حکومت بسیط، تمرکز و عدم تقسیم قدرت است (Strong, 1997: 40)؛ کشورهای متمرکز کنترل فزاینده‌ای بر همه امور مدیریتی و سیاسی استان‌ها دارند. اگرچه ممکن است آن‌ها به نواحی مختلفی تقسیم شوند، اما هرگونه قدرت و اختیار عمل نواحی از سوی دولت مرکزی به آن‌ها تفویض می‌شود و ممکن است آن نیز محدود شود و یا از بین برود (Blacksell, 2006: 58). از این رو این کشورها تأکید دارند تا با ایجاد تقسیمات بیشتر سیاسی به ویژه در سطح اول و قرار دادن نیروهای مورد نظر خود در آن‌ها، نظارت و کنترل خود را بر همه کشور افزایش دهد. شکل‌بندی به سازماندهی سیاسی فضا، به ویژه در سطح اول آن می‌تواند تابع عوامل متعددی چون جمعیت، اقتصاد، سیاست (شکل نظام سیاسی)، اجتماع، توسعه، فرهنگ و... بوده باشد. توجه سیستمی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های تأثیرگذار در فرایند سازماندهی باعث شکل‌گیری جریان مداوم و پایدار روابط فضایی شده و سیستم سیاسی کشور (Ahmadipoor et al, 2014: 176-199) و مدیریت سیاسی آن را تحکیم می‌نماید.

قلمروهای ملی در همه کشورها به دلایلی از نظر سیاسی و برای سهولت در اداره آن‌ها تقسیم می‌شوند. دلایل ایدئولوژیکی این تقسیم‌بندی تمایل به ترویج دموکراسی محلی، سهولت در مدیریت اقتصادی و یا دلایل دیگر است (Blacksell, 2006: 58). با این توضیح، سازماندهی سیاسی فضا،

تقسیم‌بندی یک پهنه سرزمینی بر اساس عوامل و محدوده‌های همگن اجتماعی، محیطی، اقتصادی، سیاسی و اداری به منظور اداره و مدیریت بهینه سرزمین و بهره‌برداری مطلوب و منطقی از منابع در راستای برقراری توسعه پایدار و به منظور ایفای نقش سیاسی است (Ahmadipoor et al, 2014:69). لذا اهداف مدیریت سیاسی فضا، در سازماندهی و آمایش سیاسی فضا معنا می‌یابد که برای ارائه هر چه بهتر امکانات، تسهیلات، خدمات عمومی (آموزش، بهداشت، انرژی، امکانات رفاهی، امنیت و...)، اداره عمومی و نهایتاً تسهیل اعمال حاکمیت است (Mirshekaran, 2009:26). بنابراین سازماندهی سیاسی فضا به هر میزان که دانش بنیان و از معیارهای مختلف طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیروی کند، فراگیری، پویایی و کارایی بیشتری خواهد داشت (Hafeznia and Kavandikateb, 2017:63) و عامل اساسی در تسهیل‌گری و دستیابی به الگوی بهینه در مدیریت سیاسی فضای ملی خواهد بود.

تقسیمات کشوری یکی از سطوح مهم سازماندهی سیاسی فضا است و آن از ابزارهای حکومتی است که در اداره و کنترل فضای جغرافیایی کشور (Muir, 2000:251)، شکل‌یابی سیستم اداری، مدیریت سرزمین و اعمال حاکمیت حکومت بر پهنه سرزمین مورد توجه است. هدف فراگیر از تقسیمات کشوری اداره بهتر سرزمین و قلمرو کشور (Hafeznia, 2000:194) و فراهم ساختن چارچوب و بستری شایسته برای ادامه بقای ملی، امنیت ملی و توسعه همسان منطقه‌ای (Karimipoor, 2002:4) و تأمین امنیت و بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی است (Azami and Dabiri, 2011:147- 181). این پدیده جزئی از سیاست‌های اجرایی حکومت‌ها در مدیریت سیاسی فضا، اداره امور و در شکل دادن به هویت‌های محلی، منطقه‌ای و ملی بوده است (Hafeznia and Kavandikateb, 2017:63). از جمله عوامل موثر بر مدیریت سیاسی فضای ملی و شکل‌گیری فرآیند سازماندهی سیاسی فضا، (۱) افزایش جمعیت؛ (۲) دگرگونی شیوه و الگوی زندگی؛ (۳) دگرگونی فناوری و تغییر روش‌های تولید و ارائه خدمات و ترویج نوآوری‌ها؛ (۴) افزایش مداوم سطح فکر و آگاهی مردم و نیز خواست آن‌ها برای مشارکت بیشتر در سرنوشت خود و کاهش اقتدار حکومت؛ (۵) افزایش نوع و حجم فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی در فضای جغرافیایی؛ (۶) محلی‌گرایی و ناحیه‌گرایی؛ (۷) ضرورت‌های امنیتی و کنترل ناهنجاری‌های فضایی و اجتماعی از طریق کوچک‌سازی؛ (۸) کاهش

منابع و بنیادهای زیستی و لزوم کاربری مدیریت بهینه برای بهره‌برداری بهتر از آنها با رعایت اصول توسعه پایدار و (۹) ملاحظات سیاسی ناشی از اثر نیروهای بین‌المللی (Hafeznia and Kavianirad, 2004: 23).

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. تغییرات دوره‌ای سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای جهان^۱

برای بررسی استراتژی ملی کشورها در سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا، تغییرات سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای جهان طی شصت سال اخیر (۲۰۲۰-۱۹۶۰) مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این زمان به چهار دوره مهم پانزده ساله تقسیم‌بندی می‌شود. هر چهار دوره مبنای تحولات مهمی هستند و ویژگی‌های خود را دارند. در دوره سوم (۲۰۰۵-۱۹۹۰) بیشترین میزان تغییرات (در ۹۰ کشور) و دوره چهارم (۲۰۲۰-۲۰۰۵) کمترین میزان تغییرات (در ۶۷ کشور) رخ داده است.

۴-۱-۱. دوره اول: ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵ میلادی

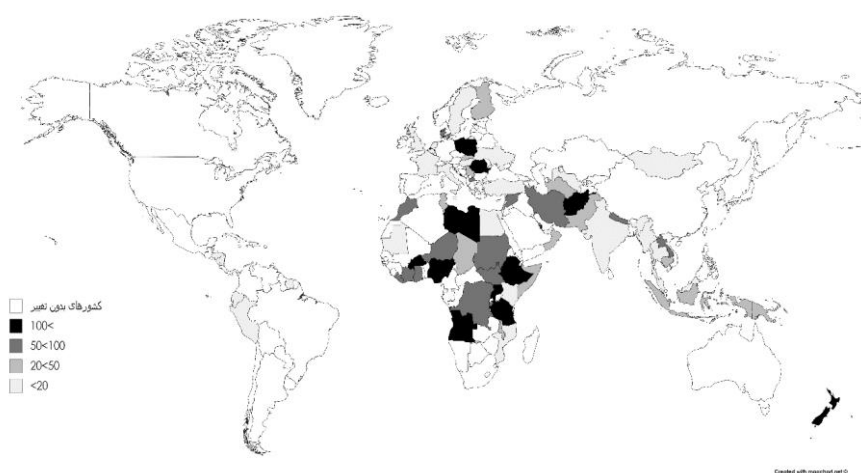
مبنای اطلاعات سال ۱۹۶۰ میلادی انتخاب شد. از این سال اطلاعات واقعی‌تر و دسترسی به آنها فراهم است. هیجانات ناشی از پایان جنگ جهانی دوم، رشد اندیشه‌های ناسیونالیستی و محلی‌گرایی، دوره مهم پایان استعمار، توجه به امور داخلی و توسعه به ویژه در کشورهای درگیر جنگ، آغاز روند پیدایش بسیاری از کشورهای جهان، رشد جمعیت و... از ویژگی‌های بارز این دوره است. در این دوره زمانی ۷۳ کشور جهان، یعنی ۳۸ درصد از آنها در سطح اول سازماندهی سیاسی فضای خود تغییر ایجاد کردند. نُه کشور (ساحل عاج، مراکش، نپال، نیجر، مقدونیه، برونیدی، دانمارک، نیکاراگوئه و سوئد)، از تعداد استان‌های خود کاستند؛ اما در ۶۴ کشور دیگر در تعداد استان‌ها افزایش

۱. اطلاعات مربوط به تعداد استان‌های کشورهای جهان طی این شصت سال به ترتیب از منابع زیر به دست آمده است:
- Law, GWILLIM (1999), Administrative Subdivisions of Countries: A Comprehensive World Reference, 1900 through 1998, McFarland & Company, Inc., Publishers.
- <https://www.iso.org/obp/ui/#home>
- <https://www.geonames.org>
- <http://www.statoids.com/>
- <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/fields/302.html>
https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_administrative_divisions_by_country#Administrative_divisions_with_ISO_3166

همچنین در برخی موارد به سایت وزارت داخله کشورهای مورد بررسی مراجعه شده است.

ایجاد شد. شکل (۱)، نقشه درصد تغییرات و پراکندگی این کشورها را نشان می‌دهد. بیشترین تغییرات ایجاد شده در کشورهای آفریقایی، آسیایی و شرق اروپا است؛ چرا که در این مناطق، بسیاری از کشورها در حال ظهور بودند و سازماندهی و مدیریت سیاسی فضای ملی، از اولویت‌های مهم آن‌ها برای بقای ملی به شمار می‌آمد.

شکل (۱): نقشه درصد تغییرات در سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای جهان (۱۹۷۵-۱۹۶۰)



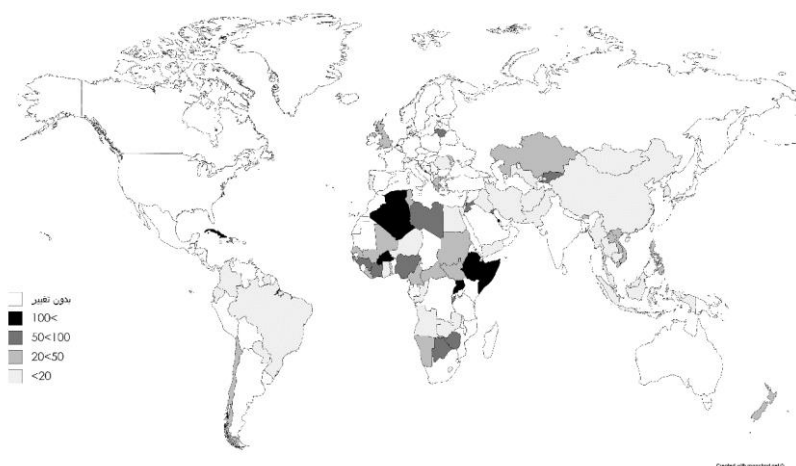
(Source: <https://mapchart.net/>)

۲-۱-۴. دوره دوم: ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ میلادی

در این دوره جنگ سرد و روند پیدایش کشورهای جهان همچنان ادامه دارد. کشورهای استقلال یافته اقدام به ایجاد تغییرات ساختاری در سازماندهی و مدیریت سیاسی فضای ملی خود می‌کنند. آفریقا و آسیا، بیشترین تغییرات را دارند. ۷۹ کشور جهان (۴۱ درصد) در سازماندهی سیاسی خود تغییر ایجاد می‌کنند و یکی از مهم‌ترین دوره‌ها به شمار می‌آید (شکل ۲). مهم‌ترین نکته در این دوره تغییرات سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای بزرگ و در حال توسعه است. برزیل و چین از آن جمله هستند. این دوره، دوره مهم اصلاحات، انقلابات و جنبش‌ها در جهان است. ده کشور (یمن، پرتغال، شیلی، مقدونیه، بریتانیا، گینه بیسائو، ویتنام، نیوزیلند، لیتوانی و نیوکالدونیا) از تعداد استان‌های خود می‌کاهند و سه کشور آفریقایی اوگاندا، الجزایر و بورکینافاسو، بیش از ۲۰۰ درصد

به تعداد استان‌های خود می‌افزایند.

شکل (۲): نقشه درصد تغییرات در سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای جهان (۱۹۹۰-۱۹۷۵)



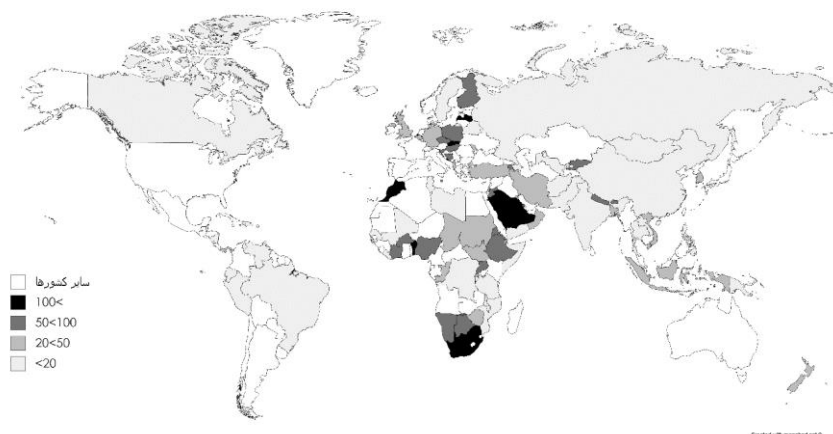
(Source: <https://mapchart.net/>)

۳-۱-۴. دوره سوم: ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ میلادی

بیشترین میزان تغییرات سطح اول سازماندهی سیاسی فضا، در این دوره اتفاق می‌افتد. نود کشور جهان (۴۷ درصد) اقدام به تغییر فضای درونی خود می‌کنند. مهم‌ترین دلایل تحولات این دوره، نتایج ناشی از پایان جنگ سرد، استقلال جمهوری‌های اقماری شوروی، مسایل اروپای شرقی، ظهور به اصطلاح نظم نوین جهانی، رشد جمعیت، مسایل اقتصادی و... است. تغییرات در جنوب غرب آسیا، جنوب و مرکز آفریقا و اروپای شرقی بیش از دیگر نقاط جهان است. لیتوانی، عربستان، آفریقای جنوبی و مراکش، بیش از صد درصد تغییرات در تقسیمات سطح اول کشور خود ایجاد می‌کنند و ۱۷ کشور^۱ نیز از تعداد استان‌های خود می‌کاهند.

۱. بوسنی و هرزگوین، ارمنستان، لهستان، اتیوپی، نپال، فنلاند، بحرین، بورکینافاسو، بوتسوانا، نامیبیا، بحرین، واناتو، آلمان، مولداوی، عمان، سوئد و لیبی.

شکل (۳): نقشه درصد تغییرات در سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای جهان (۲۰۰۵-۱۹۹۰)



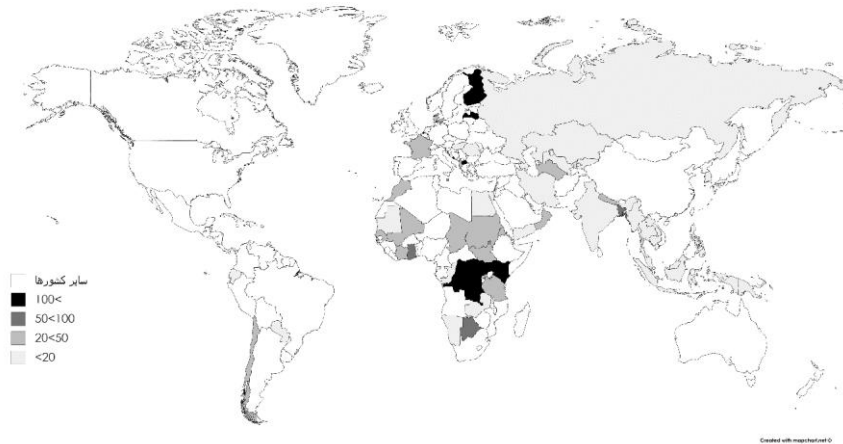
(Source: <https://mapchart.net/>)

۴-۱-۴. دوره چهارم: ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ میلادی

کمترین سطح از تغییرات در سازماندهی سیاسی فضا در این دوره روی می‌دهد؛ با این حال ۳۵ درصد کشورهای جهان (۶۷ کشور)، در سطح اول تقسیمات کشوری خود تغییر ایجاد می‌کنند. آفریقا و به ویژه آفریقای مرکزی همچنان بیشترین تغییرات را دارد. کنیا، فنلاند و لیتوانی، با ۲۰۰ درصد افزایش تعداد استان، بیشترین میزان تغییرات را در این دوره ایجاد کرده‌اند. تغییرات این دوره، بیش از مسایل سیاسی - امنیتی، تحت تأثیر مسایل جمعیتی، اقتصادی، آمایشی و توسعه است. سیزده کشور، از تعداد تقسیمات اول کشوری خود می‌کاهند. درصد تغییرات ایجاد شده، نسبت به دوره‌های دیگر در این دوره کمتر است و کشورها با تغییرات اندکی در سازماندهی و مدیریت سیاسی فضای ملی، دوره ثبات بیشتر نسبت به سه دوره قبل را به نمایش می‌گذارند.

۱. آلبانی، رواندا، دانمارک، فرانسه، اریتره، سودان، جزایر مارشال، ساحل عاج، مراکش، بحرین، پاراگوئه، قزاقستان و روسیه.

شکل (۴): نقشه درصد تغییرات در سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای جهان (۲۰۲۰-۲۰۰۵)

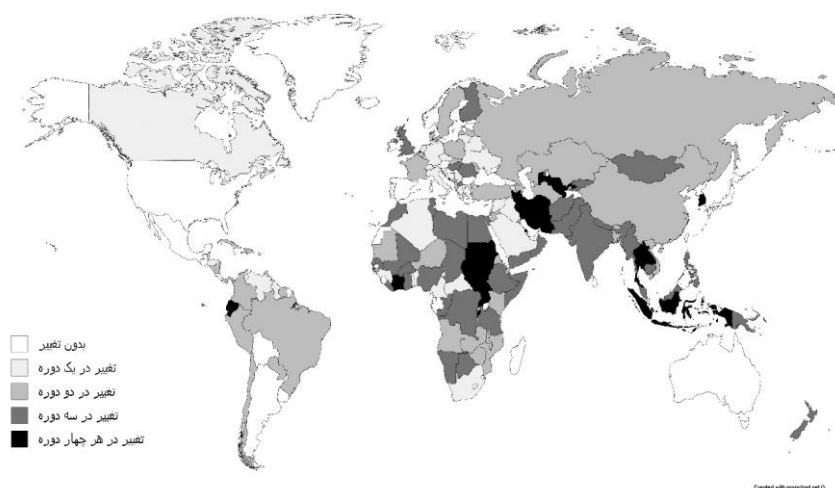


(Source: <https://mapchart.net/>)

از ۱۹۱ کشور جهان، ۱۳ کشور (ایران، بحرین، بروندی، دماغه سبز، ساحل عاج، اکوادور، اندونزی، کره جنوبی لائوس، سودان، تایلند، اوگاندا و ازبکستان) در هر چهار دوره، در سازماندهی سیاسی فضای خود تغییر ایجاد کرده‌اند. به این ترتیب کشورهایی که در هر چهار دوره، در سه دوره، دو دوره یا فقط در یک دوره تغییر داشته‌اند بر روی شکل (۵) قابل مشاهده هستند. فنلاند، مجارستان، رومانی، مقدونیه و بریتانیا، تنها کشورهای اروپایی هستند که در سه دوره سازماندهی و استراتژی مدیریت سیاسی فضای ملی تغییر جدیدی ایجاد کرده‌اند و مابقی کشورهای اروپایی در دوره‌های کمتری تغییر داشته‌اند. هر چند نمی‌توان به طور قطعی رابطه‌ای معنادار میان میزان تغییرات در دوره‌ها و ثبات سیاسی کشورها ارائه داد؛ اما به طور تقریبی می‌توان گفت، کشورهایی که در هر دوره تغییرات جدیدی ایجاد کرده‌اند، نسبت به کشورهایی که تغییرات نداشته و یا در دوره‌های کمتری تغییرات داشته‌اند، ثبات سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی کمتری داشته‌اند. البته مثال‌های متناقض چندی چون عراق و سوریه وجود دارند، با این حال در بیشتر این موارد، این موضوع قابل مشاهده است. نکته مهم آن‌که کشورهایی که تغییرات بیشتری را در طول این دوره داشته‌اند؛ قطعاً برنامه‌های آمایشی ملی، منطقه‌ای و محلی

در آن‌ها وجود ندارد و یا ضعیف است و استراتژی مدیریت سیاسی فضا در آن‌ها تابع شرایط زمانی و مکانی و نه بسترهای سرزمینی و آمایش محور است.

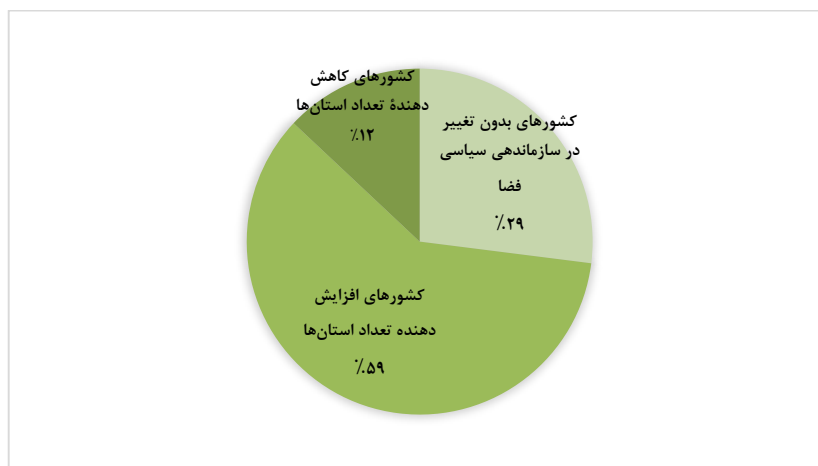
شکل (۵): نقشه تغییرات سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در دوره‌های چهارگانه



(Source: <https://mapchart.net/>)

۲-۴. نتایج تغییرات سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای جهان (۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰ میلادی)
می‌توانیم استراتژی مدیریت سیاسی فضای کشورهای جهان را بر اساس میزان تغییرات در سطح اول سازماندهی سیاسی فضای آن‌ها طی شصت سال گذشته، به سه دسته تقسیم کنیم: نخست کشورهایی که طی این سال‌ها هیچ تغییری در سطح اول سازماندهی سیاسی فضای ملی خود نداده‌اند (۵۷ کشور)؛ دوم کشورهایی که سطح اول سازماندهی سیاسی فضای خود را افزایش داده‌اند (۱۱۲ کشور) و سوم کشورهایی که از تعداد استان‌های خود کاسته‌اند (۲۲ کشور).

شکل(۶): نمودار درصد کشورهای جهان از میزان تغییرات در سطح اول سازماندهی سیاسی فضای ملی طی سال‌های ۲۰۲۰-۱۹۶۰ میلادی



۱-۲-۴. کشورهای بدون تغییر در سطح اول سازماندهی سیاسی فضای ملی

از میان ۱۹۱ کشور مورد بررسی، ۵۳ کشور (۲۷ درصد) از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰ میلادی، هیچ تغییری در سطح اول سازماندهی سیاسی فضای خود نداده‌اند.^۱ شکل(۷)، موقعیت این کشورها را نشان می‌دهد. ۳۰ کشور این فهرست وسعتی کمتر از ۲۵ هزار کیلومتر مربع دارند و جزء کشورهای میکرو به شماره می‌آیند. این ۳۰ کشور، ۶۰ درصد از کشورهایی هستند که وسعت‌شان کمتر از ۲۵ هزار کیلومتر مربع است. این نشان می‌دهد، کشورهای میکرو کمتر تمایل به تغییر در سطح اول سازماندهی سیاسی فضای خود دارند و حتی در کشورهایی نظیر سنگاپور، موناکو، لیختن‌اشتاین، لوکزامبورگ و... این موضوع قابل مشاهده است. در این فهرست شش کشور فدرال قرار دارند و ۱۶ کشور، یعنی ۳۰ درصد از آن‌ها در شاخص توسعه انسانی در میان ۵۰ کشور اول جهان هستند. عدم تغییر در این کشورها، بیشتر ناشی از آمایش سیاسی فضا(ژاپن، نروژ، اتریش، ایسلند و...)، نظام فدرالی حاکم بر

۱. این فهرست شامل کشورهای آرژانتین، آندورا، اتریش، اسپانیا، استرالیا، استونی، اسرائیل، السالوادور، اوروگوئه، ایالات متحده آمریکا، ایرلند، ایسلند، باربادوس، بروئی، بلغارستان، بلیز، بولیوی، پالائو، تاجیکستان، توالو، تونگا، جامائیکا، دومینکن، ژاپن، ساموا، سائوتومه و پرنسیپ، سریلانکا، سن مارینو، سنت لویس، سنت وینسنت و گرنادینس، سنگاپور، سوازیلند، سیرالئون، فیجی، قبرس، کاستاریکا، کرواسی، کره شمالی، کریباتی، کومور، گابن، گامبیا، گرانادا، گرجستان، گواتمالا، لوکزامبورگ، لیختن‌اشتاین، ماداگاسکار، مکزیک، موناکو، میکرونزی، نائورو و نروژ است.

این کشورها (ایالات متحده آمریکا، آرژانتین، استرالیا و...)، کوچک مقیاس بودن و تناسب میان جمعیت، وسعت و سطوح سازماندهی سیاسی فضا بوده که استراتژی عدم تغییر در این کشورها را توجیح کرده است.

شکل (۷): نقشه کشورهای که از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰ میلادی هیچ تغییری در سطح اول سازماندهی سیاسی فضا نداشته‌اند



(Source: <https://mapchart.net/>)

در این میان چهار کشور اریتره، بحرین، بروندي و نیکاراگوئه، با وجودی که تعداد استان‌های آنها از ابتدا تاکنون به لحاظ عددی تفاوتی نداشته، اما طی شصت سال همواره تغییراتی را تجربه کرده‌اند. بی‌ثباتی سیاسی حاکم بر این کشورها به لحاظ مسایل داخلی و امنیتی دلیل مهم این تغییرات است.

۱. تقریباً نیمی از کشورهای جهان پس از سال ۱۹۶۰ میلادی که مبدأ مطالعه در این مقاله است، استقلال یافته‌اند؛ مانند اریتره (۱۹۹۳)، بروندي (۱۹۶۲) و بحرین (۱۹۷۱). همه این کشورها پیش از استقلال نیز دارای تقسیمات کشوری بوده‌اند؛ لذا اهمیت دارد مورد مطالعه قرار گیرند.

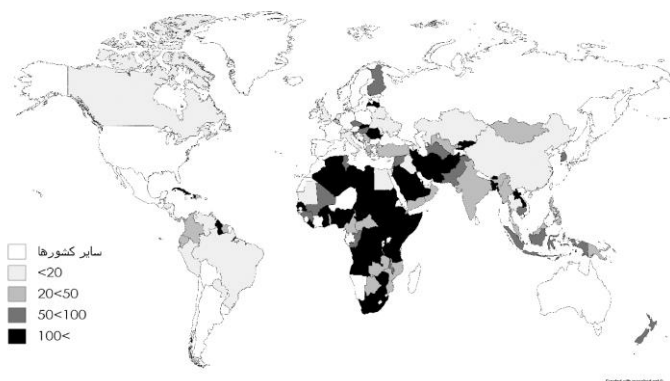
جدول (۱): وضعیت تقسیمات کشوری چهار کشور طی سال‌های ۲۰۲۰-۱۹۶۰ میلادی

شماره	نام کشور	تعداد سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در ۵ بازه زمانی				
		۱۹۶۰	۱۹۷۵	۱۹۹۰	۲۰۰۵	۲۰۲۰
۱	اریتره	۶	۶	۶	۱۰	۶
۲	بحرین	۴	۶	۱۲	۵	۴
۳	بروندی	۱۸	۸	۱۵	۱۷	۱۸
۴	نیکاراگوئه	۱۷	۱۶	۱۶	۱۷	۱۷

۲-۴. کشورهای افزایش دهنده تعداد سطح اول سازماندهی سیاسی فضا

کشورهایی که از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۲۰ میلادی، استراتژی افزایش تعداد سطح اول سازماندهی سیاسی فضای خود را داشته‌اند، شامل ۱۱۲ کشور (۵۹ درصد) می‌شوند. شکل (۸)، نقشه درصد افزایش استان‌های این کشورها را نشان می‌دهد. بیشترین افزایش در میان کشورهای آفریقایی، آسیایی و اروپای شرقی است. دلایل این مهم، روند کشور-ملت‌سازی پس از استقلال، افزایش جمعیت، عدم وجود برنامه‌ریزی‌های آمایشی، مسایل داخلی به ویژه مسایل امنیتی و قومیتی است. بیشترین میزان افزایش استان در کشور آفریقایی اوگاندا با ۲۷۰۰ درصد افزایش (ایجاد ۱۰۸ استان جدید) و سپس در کشور لتونی با ۲۲۰۰ درصد افزایش (۱۱۴ استان جدید) و نیجریه با ۱۱۰۰ درصد افزایش (۳۴ استان جدید) است. ایران در این فهرست با ۱۸۲ درصد افزایش (ایجاد ۲۰ استان جدید)، پانزدهمین کشوری است که بیشترین میزان افزایش تعداد استان را در جهان تجربه کرده است.

شکل (۸): نقشه درصد افزایش تعداد سطح اول سازماندهی سیاسی فضای کشورهای جهان از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰

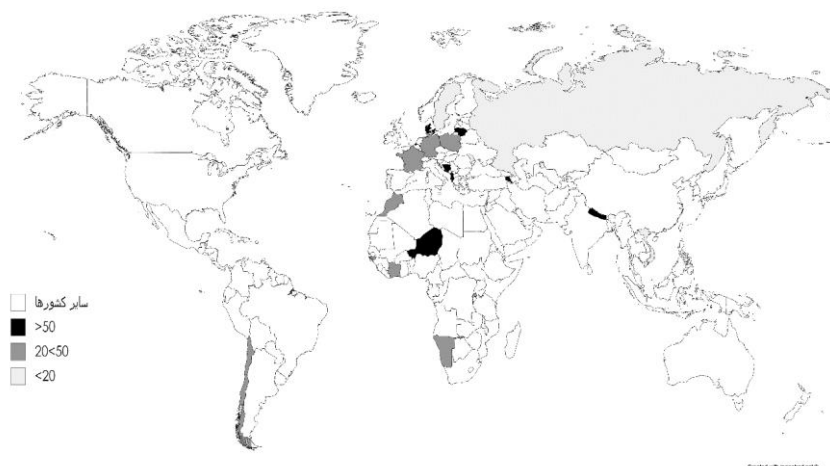


(Source: <https://mapchart.net/>)

۳-۲-۴. کشورهای کاهش دهنده از تعداد سطح اول سازماندهی سیاسی فضا

نکته بارز در استراتژی مدیریت سیاسی فضا و تحولات سطح اول سازماندهی سیاسی فضا، فهرستی از ۲۲ کشور است که از تعداد استان‌های خود کاسته‌اند. این کشورها به ترتیب بیشترین درصد کاهش شامل: نپال (۷۹ درصد کاهش) (از ۳۴ استان در ۱۹۶۰ به ۷ استان در ۲۰۲۰)، دانمارک (۷۶ درصد) (از ۲۱ استان به ۵ استان)، بوسنی و هرزگوین و نیوکالدونیا (۷۵ درصد) (از ۱۲ استان به ۳ استان)، ارمنستان (۷۰ درصد) (از ۳۷ استان به ۱۱ استان)، لیتوانی (۵۶ درصد)، آلبانی (۵۴ درصد)، نیجر (۵۰ درصد)، رواندا (۴۴ درصد)، مراکش (۴۰ درصد)، آلمان و فرانسه (۳۸ درصد)، شیلی (۳۶ درصد)، لهستان (۲۷ درصد)، نامیبیا و ساحل عاج (۲۶ درصد)، گینه بیسائو (۲۵ درصد)، مالت (۱۷ درصد)، سوئد (۱۷ درصد)، پرتغال (۱۰ درصد)، مولداوی و ویتنام (۷ درصد) و روسیه (۵ درصد) کاهش است. دلیل بیشتر این کاهش‌ها پایان جنگ سرد، در برخی موارد (آلمان و ویتنام) اتحاد دوباره کشورها و طرح‌ریزی مجدد طرح‌های آمایش سیاسی فضا متناسب با ظرفیت‌های داخلی کشورها به ویژه برای کاستن از هزینه‌ها و تهدیدات است.

شکل (۹): نقشه درصد کاهش تعداد سطح اول سازماندهی سیاسی فضای کشورهای جهان از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰



(Source: <https://mapchart.net/>)

۳-۴. عوامل تأثیرگذار در تغییرات سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای جهان

پنج عامل جمعیت، وسعت جغرافیایی، سرانه تولید ناخالص داخلی، شاخص توسعه انسانی و شاخص امنیتی کشورها در سازماندهی سیاسی سطح اول کشورها، نقش مهمی بازی می‌کنند. این عوامل اثربخش‌ترین عوامل تأثیرگذار در سازماندهی سیاسی فضای کشورها به شمار می‌آیند؛ هر چند قطعی نیستند و می‌توان دلایل نژادی، مذهبی، سیاسی، فرهنگی و... دیگری را به آن‌ها افزود.

۱-۳-۴. عامل جمعیت^۱ و استراتژی سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا

در کشورهایی که طی سال‌های ۲۰۲۰-۱۹۶۰ میلادی در سازماندهی سیاسی فضای آن‌ها، افزایش صورت گرفته، عامل جمعیت یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها به شمار می‌رود. برای ترسیم یک رابطه معنادار و کشف رابطه میان افزایش جمعیت و افزایش سطح اول سازماندهی سیاسی فضا، فرمولی در نظر گرفته شده است. در این فرمول نتایج به دست آمده از صفر تا بی‌نهایت قرار می‌گیرند. اما

۱. آمارهای جمعیتی برای تحلیل در این بخش از سایت بانک جهانی و سایت گزارش جمعیت جهان استخراج شده است:
<https://databank.worldbank.org/reports.aspx?source=2&series=SP.POP.TOTL&country=>
<http://worldpopulationreview.com/>

هر چه عدد به صفر نزدیک‌تر باشد؛ تأثیر عامل جمعیت در افزایش تعداد استان‌ها بیشتر است. به این معنا که رشد جمعیت با رشد تعداد استان‌ها تقریباً برابر بوده است. این موضوع بیانگر جمعیت، امنیت و خدمات‌محور بودن استراتژی مدیریت سیاسی فضا در کشورهای فوق و تمرکزگرایی آن‌هاست. در فرمول طراحی شده، نرخ رشد افزایش جمعیت از نرخ رشد افزایش تعداد استان‌ها کاسته شده و عدد به دست آمده بر اساس نام کشورها در جدول (۲) قرار گرفته است. استراتژی سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا در ۳۱ کشور جهان و از جمله ایران، جمعیت‌محور است و متناسب با افزایش جمعیت، بر تعداد سطح اول سازماندهی سیاسی فضای این کشورها از سال ۱۹۶۰ میلادی تاکنون افزوده شده است (شکل ۱۰).

رابطه (۱):

تعیین میزان تأثیر عامل جمعیت بر سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای جهان

$$\text{اثر جمعیت بر تعداد استان} = \frac{(\text{تعداد استان 1960} - \text{تعداد استان 2020})}{\text{تعداد استان 1960}} - \frac{(\text{جمعیت 1960} - \text{جمعیت 2020})}{\text{جمعیت 1960}}$$

جدول (۲): تأثیر عامل جمعیت بر افزایش سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای جهان (۲۰۲۰-۱۹۶۰)

(۱۹۶۰)

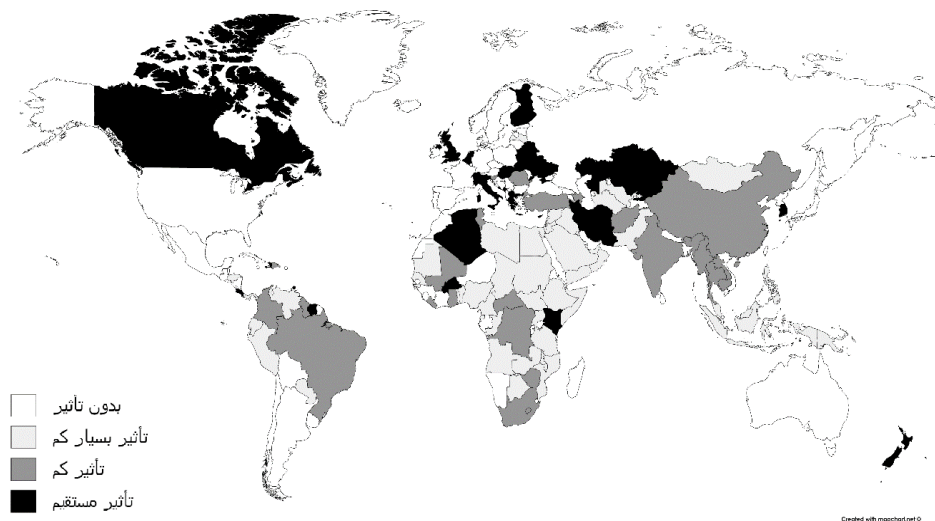
و بیشتر	۲	۱	۰	-۱	-۲	و کمتر
تأثیر بسیار کم	تأثیر کم	تأثیر مستقیم افزایش جمعیت بر افزایش تعداد استان‌ها			تأثیر کم	تأثیر بسیار کم
آنگولا، بنین، بوتوسوانا، کامرون، چاد، کنگو، جیبوتی، اکوادور، مصر، گینه، استوایی، اتیوپی، گینه، هندوراس، اندونزی، عراق، اردن، کویت، لبنان، مالاوی، مالی، مالدیو، جزایر مارشال، موریانی، مغولستان،	افغانستان، آذربایجان، باهاما، بوتان، برزیل، کامبوج، جمهوری آفریقای مرکزی، چین، کلمبیا، جمهوری دومینکن،	الجزایر، آنیگوا، باربودا، بورکینافاسو، کابورد، کانادا، گرینلند، هائیتی، ایران، ایتالیا، قزاقستان، کره جنوبی، موریس، مونتنگرو،		بلاروس، بلژیک، کاستاریکا، قبرس، فنلاند، یونان، مجارستان، کنیا، قرقیزستان، اسلونی، اوکراین،	جمهوری دموکراتیک کنگو، گویان، رومانی، سنت کیس و نویس، اسلواکی،	لتونی، لیبی، نیجریه، سیشیل، اوگاندا،

			هلند، نیوزلند، سورینام، سوئیس، مقدونیه، ترینیداد و توباگو، بریتانیا،	غنا، هند، لائوس، لسوتو، لیبریا، مالی، میانمار، آفریقای جنوبی، تایلند، تیمور شرقی، تونس، ترکیه، زیمباوه،	موزامبیک، عمان، پاکستان، پاناما، پاپوآگینه نو، پاراگوئه، پرو، فیلیپین، قطر، عربستان، سنگال، جزایر سلیمان، سومالی، سودان، سوریه، تانزانیا، توگو، ترکمنستان، امارات، ازبکستان، وانواتو، ونزوئلا، یمن، زامبیا،
--	--	--	---	---	---

(مأخذ: جدول بر اساس داده‌های جمعیتی کشورها از سایت بانک جهانی)

<https://databank.worldbank.org/report> و سپس محاسبه رابطه (۱) این مقاله و توسط نگارنده تنظیم شده است.

شکل (۱۰): نقشه تأثیر عامل رشد جمعیت بر افزایش سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای جهان (۱۹۶۰ - ۲۰۲۰)

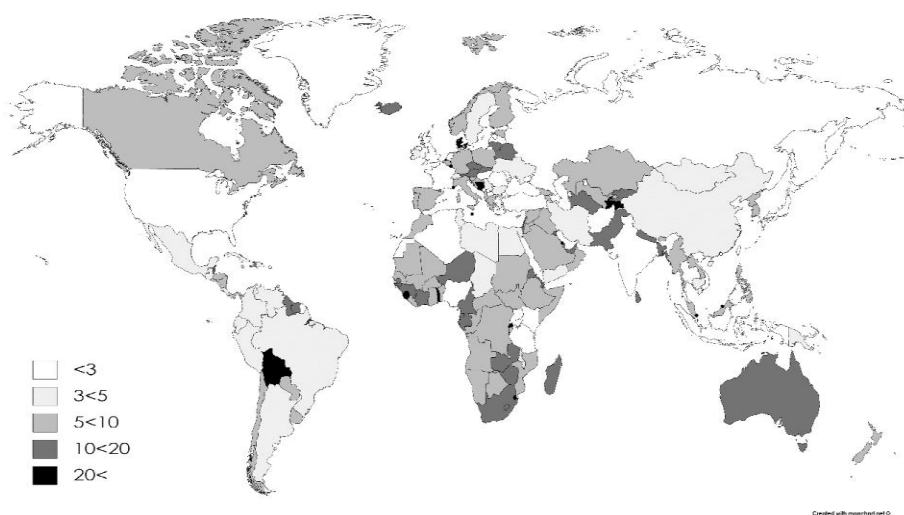


(Source: <https://mapchart.net/>)

موضوع دیگر در ارتباط با جمعیت، درصد جمعیت به ازای هر استان، در کشورهای مختلف است. به این معنا که هر چند درصد از جمعیت یک کشور دارای یک استان است و این وضعیت در کشورهای مختلف جهان به چه شکل است و آیا این پراکندگی از الگوی خاصی تبعیت می‌کند یا خیر. شکل (۱۱) نمایش این پراکندگی در جهان است. به طور میانگین برای هر ده درصد از جمعیت جهان یک استان وجود دارد. همانطور که در نقشه روشن است، ده درصد از کشورهای جهان، به ازای کمتر از هر ۳ درصد از جمعیت خود، یک استان دارند. درصد جمعیت در هر استان، هر چه بالاتر می‌رود، کشورها کوچکتر و یا کم جمعیت‌تر هستند و این را می‌توان بر روی نقشه دید. کشورهایی که درصد جمعیت آن‌ها در هر استان کمتر از ده درصد است، سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا در آن‌ها بیانگر جمعیت‌محور بودن آن‌هاست.

شکل (۱۱): نقشه نمایش درصد جمعیت به ازای هر استان در کشورهای جهان بر اساس اطلاعات سال

۲۰۲۰ میلادی



(Source: <https://mapchart.net/>)

۱. لیتوانی، بریتانیا، اوگاندا، مقدونیه، روسیه، ترکیه، آذربایجان، تایلند، ویتنام، ایالات متحده آمریکا، الجزایر، ژاپن، کنیا، مجارستان، رومانی، نیجریه، هند، مولداوی، اندونزی و افغانستان.

۲-۳-۴. وسعت و استراتژی سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا

وسعت کشورها، عامل مهم دیگری در تنظیم و تدوین استراتژی مدیریت سیاسی فضا به شمار می‌رود. اما تغییرات ایجاد شده در کشورهای جهان نشان می‌دهد این عامل کمتر در تقسیمات سطح اول داخلی کشورها لحاظ شده است. چنانکه در سال ۱۹۶۰، به طور میانگین در هر ۱۳,۳ درصد از وسعت کشورها، یک استان وجود داشت و در سال ۲۰۲۰ این نسبت به ۱۰,۲ درصد کاهش یافته است. سرزمین محور بودن مدیریت سیاسی فضا نشان از آمایشی بودن، برنامه‌محور بودن، ثبات بالا، همگونی بیشتر جغرافیایی و تأثیرپذیری کمتر از تحولات و مسایل داخلی و خارجی کشورهاست. هرچند در برخی از کشورها (ایران، الجزایر و...)، افزایش تعداد استان‌ها با هدف بهره‌مندی بیشتر از همه فضای جغرافیایی کشور است، اما در حقیقت این افزایش نشان از ناموزنی جغرافیایی و مشکلات سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا در این کشورهاست. برای درک بهتر موضوع می‌توان با استفاده از یک فرمول طراحی شده، میزان سرزمین محور بودن استراتژی سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا در کشورها را اندازه‌گیری کرد.

رابطه (۲):

$$\text{تعیین میزان تأثیر عامل سرزمین بر سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای جهان}$$

$$\left(\frac{\text{نسبت وسعت به تعداد استان 2020} - \text{نسبت وسعت به تعداد استان 1960}}{\text{نسبت وسعت به تعداد استان در سال 1960}} \right) * 100$$

$$= \text{تأثیر عامل وسعت جغرافیایی}$$

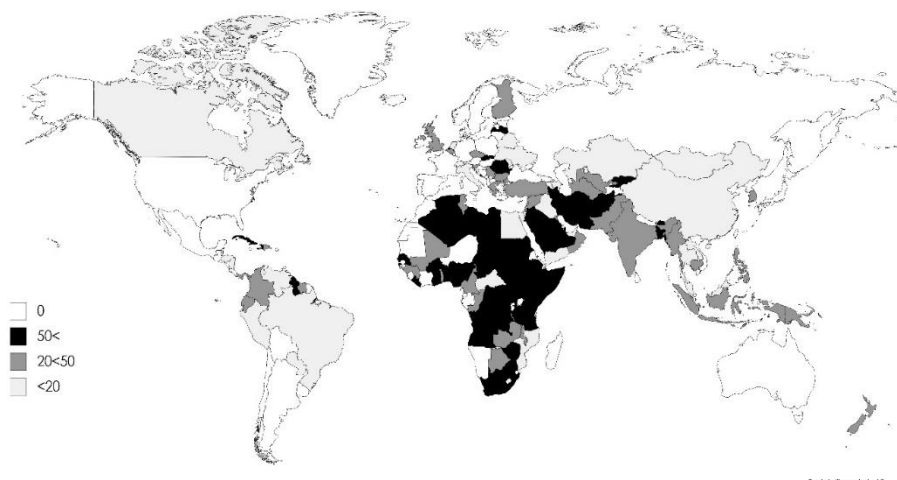
براین اساس هرچه درصد به دست آمده پایین‌تر باشد، نشان از سرزمین و جغرافیا محور بودن سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا در این کشورهاست. در این طبقه‌بندی، کشورهایی که بیش از ۵۰ درصد افزایش داشته باشند، سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا در آن‌ها جغرافیامحور نیست؛ کشورهایی که بین ۲۰ تا ۵۰ درصد باشند، عامل سرزمینی در آن‌ها تا حدی اهمیت دارد؛ کشورهایی که بین صفر تا ۲۰ درصد هستند، عامل جغرافیایی در آن‌ها اهمیت دارد و کشورهایی که درصد به دست آمده در آن‌ها صفر است، جغرافیا و سرزمین محور خواهند بود و مدیریت سیاسی فضا در

۱. اطلاعات مربوط به وسعت کشورها، از سایت سازمان ملل متحد به نشانی زیر به دست آمده است:
<http://data.un.org/en/index.html>

آن‌ها تحت تأثیر مسایل سرزمینی است. پراکندگی کشورها در شکل (۱۲) نشان می‌دهد کشورهای آفریقایی، جنوب و جنوب غربی آسیا، کمترین میزان اهمیت را به موضوع جغرافیا و سرزمین محوری در کشورهای خود دارند. در کشورهایی هم که از تعداد سازماندهی سیاسی فضای خود کاسته‌اند، در واقع با نگاه انتقادی به مسایل تقسیمات کشوری خود، تا حدی از الگوهای سرزمینی محیط جغرافیایی خود تبعیت کرده‌اند (آلمان، فرانسه، سوئد، ارمنستان، مراکش، شیلی و...).

شکل (۱۲): نقشه نمایش سرزمین و جغرافیا محوری سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا در کشورهای

جهان طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰



(هر چه درصد پایین‌تر باشد، پیروی از الگوهای سرزمینی بیشتر است)

(Source: <https://mapchart.net/>)

هر چه استان‌ها درصد بیشتری از وسعت کشور را در بر بگیرند، کشورها کوچکتر و تعداد تقسیمات سطح اول کشوری در آن‌ها کمتر است. گفتنی است کشور بریتانیا با ۰,۵ درصد، لیتوانی با ۰,۸ درصد و اوگاندا با ۰,۹ درصد، کمترین درصد وسعت استانی را در جهان دارا هستند. در این میان، ایران با وسعت ۳,۲ درصد برای هر استان در سال ۲۰۲۰، در رتبه ۱۷ جهان قرار دارد. این رقم در سال ۱۹۶۰ میلادی ۹,۱ درصد برای هر استان بود که در این سال ایران در رتبه ۹۰ جهان قرار داشت. نتایج حاصله بیانگر اهمیت کمتر آمایش سیاسی فضا در ایران است.

۳-۳-۴. سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا و سرانه تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی یکی از معیارهای مهم اندازه‌گیری در اقتصاد جهانی است. همه ساله بانک جهانی اقدام به ارائه گزارشی درباره تولید ناخالص داخلی کشورها می‌کند که از این طریق می‌توان تا حدی به وضعیت اقتصادی کشورها پی برد. در این مقاله صرف گزارش تولید ناخالص داخلی کافی نبود. برای درک بهتر، نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی کشورها از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۱۸ میلادی مبنا قرار گرفت؛ چرا که جمعیت کشورها نیز در آن لحاظ شده است. در واقع سرانه تولید ناخالص داخلی از تقسیم تولید ناخالص داخلی بر تعداد ساکنان یک کشور به دست می‌آید و مشخص‌کننده استاندارد زندگی در کشورهاست. پس از محاسبه نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی کشورهای مورد بررسی، جدول (۳) تنظیم شد. در این جدول به دنبال کشف رابطه میان درصد تغییرات در سطح اول سازماندهی سیاسی فضا با اقتصاد ملی کشورها هستیم. اینکه آیا تغییر در استراتژی سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا می‌تواند ناشی از رشد اقتصاد ملی باشد یا خیر. نیز رشد سرانه کشورها آیا انگیزه‌ای برای تغییر در سازماندهی سیاسی فضای کشورها ایجاد می‌کند یا خیر.

هزینه‌های اقتصادی ناشی از تغییرات در تقسیمات کشوری می‌تواند مانعی در این راه باشد؛ اما جدول فوق نشان می‌دهد، در کشورهایی که افزایشی بیش از ۱۰۰ درصد در تعداد استان‌های آنها رخ داده، عامل اقتصادی چندان مطرح نبوده و شرایط پیچیده در جوامع این کشورهاست که موجب تغییرات اساسی در آنها شده است. این مهم به ویژه در مورد ۲۲ کشوری که نرخ رشد سرانه آنها کمتر از عدد ۱۰ است، نمایان‌تر است. با این حال نرخ پایین رشد سرانه در کشورهایی همچون نیجر و ارمنستان باعث شده تا از تعداد استان‌های خود بکاهند. این در حالی است که کشوری همچون فرانسه که نرخ رشد بالایی در سرانه ناخالص ملی دارد، تصمیم می‌گیرد که در سال ۲۰۱۶، کشور را از ۲۲ ناحیه به ۱۳ ناحیه کاهش دهد. نکته بارزتر، کشورهایی که تغییری در تقسیمات کشوری نداشته‌اند (۱۵) کشور، ۴۰ درصد از کشورهای با نرخ رشد بالای سی را شامل می‌شوند. اگر بخواهیم

1. Gross Domestic Product (GDP)

2. GDP per Capita

به این فهرست کشورهایی که تغییرات اندکی در سطح اول سازماندهی سیاسی فضای خود داده‌اند (کمتر از ۵۰ درصد تغییر) را اضافه کنیم، شامل ۹۰ درصد از کشورهایی می‌شوند که نرخ رشد بالای عدد ۳۰ را طی شصت سال گذشته به دست آورده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد، عدم تغییر یا حداقل تغییر در تقسیمات سیاسی کشور، می‌تواند یک ویژگی کشورهای با نرخ رشد بالا باشد. به عبارت دیگر تمایل به استراتژی تغییر در الگوی سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا در کشورهای روبه رشد اقتصادی کمتر است.

جدول (۳): مقایسه نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی با تغییرات در سطح اول سازماندهی سیاسی

فضا

نرخ رشد سرانه تولید ناخالص ملی از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۸ میلادی			بیش از ۳۰	۱۰ تا ۳۰	کمتر از ۱۰
درصد تغییرات در سطح اول سازماندهی سیاسی فضای ملی کشورها	بیش از صد درصد افزایش در تعداد استان	سیشیل	عربستان، ایران، قطر، نیجریه، بنگلادش، کنیا، گویان، الجزایر، آفریقای جنوبی، کوبا، جزایر سلیمان، هائیتی، غنا،	بوركینافاسو، اوگاندا، بوتان، بنین، افغانستان، اردن، اسلواکی، سودان، زیمبابوه، لتونی، کویت، رومانی، چاد، لائوس، سنگال، آنگولا، سومالی، تانزانیا، اتیوپی، جمهوری کنگو، قرقریزستان، لیبی	
	افزایش بین ۵۰ تا ۱۰۰٪	کره جنوبی، اندونزی، فنلاند،	پاپواگینه‌نو، باهاما، مالی، نیوزلند، پاکستان، کنگو، تونس، کامبوج،	سوریه، ترکمنستان، مالای، کابورد و لبنان، جمهوری چک، مجارستان، واناتو، اسلونی و گینه	
	افزایش بین ۰ تا ۵۰٪	عمان، بوتسوانا، مالزی، جمهوری دومینکن، یونان، بلژیک، پاناما، گینه‌استوایی، چین، سنت کیس و نویس، تایلند، هلند، سوئیس، ایتالیا، برزیل، مالدیو و لسوتو	ترینیداد و توباگو، کلمبیا، هند، ترکیه، سورینام، موریس، اکوادور، کامرون، فلپین، بریتانیا، پاراگوئه، پرو، عراق، کانادا، ونزوئلا، مصر، هندوراس، آنتیگوا و باربارودا	توگو، زامبیا، آفریقای مرکزی، صربستان، مغولستان، ازبکستان، یمن، موزامبیک، موریتانی، قزاقستان، جزایر مارشال، آذربایجان، بلاروس، مقدونیه، اوکراین و امارات	
	بدون تغییر در سطح اول سازماندهی سیاسی فضا	سنگاپور، ایرلند، ژاپن، اسپانیا، نروژ، اتریش، لوکزامبورگ، ایسلند، سوازیلند، لیختن‌اشتاین، اروگوئه، بولیوی، اسرائیل،	قبرس، سریلانکا، برونی، گابن، مکزیک، فیجی، ایالات متحده آمریکا، گوآتمالا، بلیز، موناکو، السالوادور، باربادوس،	آرژانتین، استونی، گامبیا، کریباتی، ساموآ، بلغارستان، ماداگاسکار، سیرالئون، توالو، کرواسی، گرجستان، میکرونزی، کومور و	

تاجیکستان	گرنادا، آندورا، سنت لوئیس، جامائیکا، دومینکن و تونگا	استرالیا، کاستاریکا	
گینه بیسائو، مولداوی، لهستان، روسیه، نامیبیا، اکراین، آلبانی، نیوکالدونیا، ارمنستان، نیجر	سوئد، مراکش، رواندا، آلمان، ویتنام، ساحل عاج، دانمارک، نپال، بوسنی و هرزگوین	پرتغال، مالت، شیلی و فرانسه	کاهش در تعداد استانها

مأخذ: جدول با توجه به داده‌های بانک جهانی از سرانه تولید ناخالص داخلی کشورها و سپس محاسبه نسبت رشد آن توسط نگارنده تنظیم شده است.

۴-۳-۴. تأثیر شاخص توسعه انسانی بر استراتژی سازماندهی و مدیریت فضای کشورها

شاخص توسعه انسانی، همه ساله از سوی برنامه توسعه و پیشرفت سازمان ملل ارائه می‌شود. این شاخص گزارشی از آخرین اطلاعات مربوط به توسعه جهانی (ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) است که بیش از ۸۰۰ شاخص را مورد بررسی قرار می‌دهد.^۳ شاخص توسعه انسانی، هم‌اکنون یکی از بهترین شاخص‌ها برای سنجش میزان توسعه‌یافتگی کشورها به شمار می‌رود. از همین روی در این پژوهش نیز به کار گرفته شد. سابقه نخستین گزارش شاخص توسعه انسانی، به سال ۱۹۹۰ میلادی بازمی‌گردد. لذا مبنای ما از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۸ میلادی قرار گرفت که به صورت میانگین مجموع این سال‌ها برای همه کشورها مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج حاصل از محاسبات در جدول شماره ۴، قرار گرفته است.

از مهم‌ترین دلایل کشورها در ایجاد استان‌های جدید، دستیابی به توسعه ملی و منطقه‌ای است. چنانکه ۲۵ درصد از کشورهای جهان (۴۶ کشور)، با افزایش تعداد استان‌های خود تا حدی در این زمینه موفق بوده و دارای «شاخص توسعه بسیار بالا» در فهرست رتبه‌بندی کشورها هستند. هرچند هیچ کشوری با بیش از صد درصد افزایش تعداد استان، نتوانسته سطح عالی شاخص توسعه انسانی را به دست آورد. در سوی مقابل ۳۷ کشور (۲۰ درصد از کشورها)، با وجود افزایش استان‌های خود همچنان از نرخ پایین توسعه انسانی در کشورشان رنج می‌برند. برابری نسبی میان این دو نمی‌تواند دلیلی برای افزایش تعداد استان‌ها باشد. به ویژه آنکه برخی از کشورهای دسته اول از درآمد نفتی

1. Human Development Index (HDI)

2. United Nations Development Program (UNDP)

3. <http://www.hdr.undp.org/en/humandev>

بهره‌مند شده‌اند. در همین جدول بیست درصد از کشورهای جهان در سطح عالی و بسیار بالای شاخص توسعه انسانی قرار دارند که هیچ تغییری در سازماندهی سیاسی فضای خود ایجاد نکرده‌اند. این خود گویای اثربخشی شرایط پایدار سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا در این کشورهاست. اگر بخواهیم دایره را افزایش دهیم، ۵۰ درصد از کشورهای جهان، یا تغییری در سازماندهی سیاسی فضای خود نداده‌اند و یا تغییر اندکی ایجاد کرده‌اند، اما توانسته‌اند در رتبه‌بندی شاخص توسعه انسانی بالاترین رتبه را کسب کنند. لذا شرط توسعه‌یافتگی کشورها نمی‌تواند افزایش تعداد سطح اول سازماندهی سیاسی فضا باشد؛ بلکه ثبات بیشتر در این زمینه و استان‌بندی یا ناحیه‌بندی بر اساس معیارهای پایدار محیطی شرایط مطلوب‌تری برای کشورها پدید می‌آورد.

جدول (۴): مقایسه میانگین عددی شاخص توسعه انسانی و تغییرات در سطح اول سازماندهی سیاسی

فضا

میانگین عددی شاخص توسعه انسانی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۸ میلادی					
سطح عالی	بسیار بالا	بالا	میانه	پایین	
	قطر، اسلواکی، عربستان، کویت، لتونی، رومانی، کوبا، لیبی، ایران، اردن، الجزایر، سیشل	آفریقای جنوبی، قرقیزستان، گویان	غنا، لائوس، بنگلادش، کنیا، بوتان، سودان، هائیتی، بنین، سنگال، تانزانیا	اوگاندا، افغانستان، جمهوری کنگو، زیمباوه، جزایر سلیمان، نیجریه، آنگولا، اتیوپی، بورکینافاسو، چاد	تغییرات در سطح اول سازماندهی سیاسی فضای ملی کشورها
افزایش بین ۵۰ تا ۱۰۰٪	کره جنوبی، یونان، جمهوری چک، مجارستان، تونس، باهاما، ترکمنستان، لبنان	اندونزی، سوریه، کنگو	پاکستان، کامبوج، پاپوآ گینه نو، وانواتو	مالاوی، گینه، مالی	
افزایش بین ۰ تا ۵۰٪	امارات، ترینیداد و توباگو، صربستان، مالزی، پاناما، قزاقستان، موریس، اوکراین، ونزوئلا، اکوادور، برزیل، پرو، ترکیه، کلمبیا، تایلند، جمهوری دومینکن، پاراگوئه، آنتیگوا و باربارودا، عمان، آذربایجان، بلاروس، سنت کیتس و نویس، مقدونیه	فلپین، مغولستان، چین، مصر، بوتسوانا، عراق، هندوراس، هند	زامبیا، کامرون، لسوتو، موریتانی، کابوورد، ازبکستان، گینه استوایی، توگو، یمن	موزامبیک، آفریقای مرکزی	

			سورینام، جزایر مارشال، مالدیو،		
بدون تغییر در سطح اول سازماند هی سیاسی فضا	نروژ، استرالیا، ایسلند، ژاپن، ایرلند، لوکزامبورگ، اسرائیل، اتریش، سنگاپور، ایالات متحده آمریکا، لیختن اشتاین،	قبرس، برونی، استونی، آرژانتین، باربادوس، کرواسی، اروگوئه، بلغارستان، کاستاریکا، مکزیک، سريلانکا، جامائیکا، فیجی، تونگا، بلیز، ساموآ آندورا، گرنادا، گرجستان، سنت لویس، دومینیک	گابن، بولیوی، السالوادر، تاجیکستان، گوآتمالا،	سوازیلند، کریباتی، میکرونزی،	گامبیا، سیرالئون، کومور، ماداگاسکار،
کاهش در تعداد استانها	سوئد، آلمان، دانمارک، فرانسه	مالت، لهستان، پرتغال، شیلی، روسیه، آلبانی، ارمنستان، بوسنی و هرزگوین،	مولداوی، ویتنام، نامیبیا، مراکش،	رواندا، نپال، ساحل عاج،	نیجر، گینه بیسائو،

(مأخذ: جدول با توجه به محاسبه میانگین عددی شاخص توسعه انسانی)

(<http://www.hdr.undp.org/en/humandev>) طی ۲۹ سال و سپس توسط نگارنده تنظیم شده است.)

۴-۳-۵. امنیت و مدیریت سیاسی فضا

شاخص مهم دیگر، شاخص امنیت کشورهاست. برای دسترسی کمی به امنیت کشورها «شاخص صلح جهانی» می‌تواند الگوی مناسبی باشد. این شاخص از سوی موسسه صلح و اقتصاد استرالیا از سال ۲۰۰۸ و به صورت سالانه منتشر می‌شود. شاخص امنیتی کشورها بر پایه ۲۴ شاخص هزینه‌های نظامی، تروریسم، نرخ قتل و... به دست می‌آید. عدد به دست آمده هرچه کوچکتر باشد، نشان دهنده امنیت بیشتر کشورهاست. با توجه به دوره زمانی محدود این گزارش‌ها (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۹)، می‌توان در مقایسه با تغییرات سطح اول سازماندهی سیاسی فضای کشورها به نتایج مهمی دست پیدا کرد. برای این منظور مجموع داده‌های عددی کشورها طی ۱۲ سال گذشته از سایت این موسسه استخراج شد و سپس میانگین آن‌ها به دست آمد. میانگین‌ها با توجه به سطوح امنیتی، در پنج ستون بسیار امن، امن، میانه، امنیت پایین و ناامن قرار گرفت. سپس طبق جدول شماره ۵، فهرست کشورها با توجه به تغییرات سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در آن‌ها جاگذاری شد. در این جدول به دنبال

نشان دادن رابطه امنیت و تغییرات سازماندهی و استراتژی مدیریت سیاسی فضا در کشورها هستیم. طبق جدول (۵)، ناامنی در کشورها می‌تواند یک دلیل مهم برای تغییرات در الگوی سازماندهی و مدیریت سیاسی فضای آن‌ها باشد. چنانکه ۹۰ درصد کشورهایی که امنیت آن‌ها کم و یا ناامن هستند، تغییرات در سطح اول سازماندهی سیاسی فضای آن‌ها مشاهده می‌شود. این در حالی است که هیچ یک از کشورهای با سطح امنیت بسیار امن، بیش از صد درصد تغییر سازماندهی سیاسی فضا نداشته‌اند. امنیت بالا در کشورها، از نیاز مجدد به سازماندهی سیاسی فضا می‌کاهد. لذا تغییرات در کشورهای با سطح امنیت بالا حداقل است. چهل درصد از کشورهای سطح اول امنیت جهان هیچی تغییری در تقسیمات کشوری خود نداده‌اند و حتی سه کشور دانمارک، پرتغال و سوئد از تقسیمات سیاسی خود نیز کاسته‌اند. هفتاد درصد از کشورهایی که در سطح امنیتی «امن» قرار دارند، یا هیچ تغییری در سازماندهی سیاسی فضای خود نداده‌اند، یا از تعداد آن کاسته‌اند و یا تغییرات حداقلی داشته‌اند. نکته قابل توجه در این جدول، ۱۱ کشوری هستند که بیش از صد درصد به تقسیمات سطح اول کشور خود افزوده و طی ۱۲ سال در سطح امن جهان قرار داشته‌اند. این کشورها (رومانی، اسلواکی، قطر و...) تغییرات خود را بنا به دلایلی چون ماهیت میکروبی، موقعیت استراتژیک، مسایل اقتصادی، جدید بودن کشور و... ایجاد کرده‌اند و نگرانی‌های امنیت خارجی آن‌ها بیش از امنیت داخلی آن‌ها بوده است.

جدول (۶): امنیت و تغییرات سازماندهی سیاسی فضا^۱

جایگاه کشورها بر اساس میانگین شاخص جهانی امنیت طی دوازده سال (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۹)					بیش از صد درصد تغییرات در سطح اول
بسیار امن	امن	میان	امنیت پایین	ناامن	
	رومانی، اسلواکی، قطر، کویت، لتونی، بوتان، غنا، تانزانیا، لائوس، بورکینافاسو، اردن	سنگال، آنگولا، کوبا، گویان، بنگلادش، بتین، هائیتی، اوگاندا، عربستان	سومالی، قرقیزستان، آفریقای جنوبی، کنیا، ایران، زیمبابوه، اتیوپی، چاد	سودان، دموکراتیک کنگو، افغانستان	

۱. رده‌بندی کشورها بر اساس ستون‌های پنجگانه بسیار امن، امن، میان، امنیت پایین و ناامن بر اساس میانگین داده‌های شاخص جهانی صلح طی ۱۲ سال (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۹) از سایت زیر گرفته شده است:

افزایش بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد	نیوزلند، جمهوری چک، اسلونی، فنلاند،	مجارستان، مالزی، کره جنوبی، اندونزی، تونس،	الجزایر، پاپوآ گینه نو، کامبوج، گینه، ترکمنستان، کنگو.	لیبی، نجره، مالی، لبنان، سوریه، پاکستان،
افزایش کمتر از ۵۰ درصد	کانادا، سوئیس، بلژیک،	هلند، مالزی، موریس، بوتسوانا، امارات، ایتالیا، زامبیا، بریتانیا، پاناما، عمان، مغولستان، موزامبیک، گینه استوایی، لسوتو، صربستان، پاراگوئه،	یونان، توگو، قزاقستان، ترینیداد و توباگو، پرو، جمهوری دومینیک، برزیل، اکوادور، بلاروس، کامرون، چین، ازبکستان، هندوراس،	مصر، موریتانی، تایلند، آذربایجان، فلیپین، ونزوئلا، هند، اوکراین، کلمبیا ترکیه،
بدون تغییر	ایسلند، اتریش، ژاپن، استرالیا، ایرلند، سنگاپور، نروژ،	بلغارستان، اسپانیا، اروگوئه، کرواسی، کاستاریکا، استونی، سیرالئون، قبرس، ماداگاسکار،	آرژانتین، گابن، گامبیا، سوازیلند، بولیوی، جامائیکا، السالوادور، گواتمالا، تاجیکستان، سريلانکا، آمریکا،	مکزیک، گرجستان، اسرائیل، کره شمالی،
کاهش استان‌ها	دانمارک، پرتغال، سوئد،	آلمان، لهستان، شیلی، لیتوانی، فرانسه، ویتنام، نامیبیا، تیمور شرقی، آلبانی، بوسنی و هرزگوین، مولداوی، نیکاراگوئه، لیبریا،	مراکش، مقدونیه، نیپال، جیبوتی، رواندا، نیجر،	ارمنستان، میانمار، ساحل عاج، گینه بیسائو، ارتره، بروندی، روسیه،

(مأخذ: جدول با توجه به محاسبه میانگین عددی شاخص صلح جهانی (<http://visionofhumanity.org>) طی ۱۲

سال و سپس توسط نگارنده تنظیم شده است.)

۵. نتیجه گیری

در برشماری نتایج حاصل از این تحقیق می توان گفت، تغییرات در استراتژی مدیریت سیاسی فضا و سطح اول سازماندهی سیاسی فضای ملی هر کشوری، گذشته از مسایل داخلی تحت تأثیر مسایل

بین‌المللی و جهانی نیز عمل می‌کند. دلایلی چون مسایل استراتژیک جهانی مانند جنگ سرد، درگیری‌های ملی و بین‌المللی، مسایل اقتصادی، رشد جمعیت، توسعه و مسایل امنیتی، مذهب و قومیت از جمله این عوامل هستند. در این تحقیق ضمن بررسی تاریخی میزان تغییرات در سطح اول سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای جهان (از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۰ میلادی) تأثیر عوامل وسعت جغرافیایی، جمعیت و رشد آن، سرانه تولید ناخالص داخلی، شاخص توسعه انسانی و شاخص امنیتی کشورها در الگوی استراتژی ملی سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا بررسی شد. این عوامل در سازماندهی سیاسی فضا قطعی عمل نمی‌کنند و تغییرات و یا عدم تغییر در تقسیمات کشوری تنها تابع و معلول آن‌ها نیست؛ اما به عنوان پنج عامل مهم مورد توجه هستند. می‌توان گفت، این عوامل از اثربخش‌ترین عوامل تأثیرگذار در سازماندهی و مدیریت سیاسی فضای کشورها به شمار می‌آیند.

تأثیرپذیری سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا از شاخص‌های مذکور، هر یک معانی متعددی را با خود به همراه دارد. بسیاری از کشورها با جمعیت محور کردن استراتژی سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا، متناسب با تغییرات جمعیتی به تغییرات در تقسیمات کشوری خود می‌پردازند (ایران، الجزایر، کنیا و...); برخی از کشورها هدف از ایجاد تقسیمات جدید را دستیابی به توسعه در نظر گرفته‌اند (قطر، عربستان، کویت، کوبا و...); برخی با دلایل امنیتی و برای مقابله با بحران‌های داخلی و بین‌المللی مبادرت به افزایش تعداد استان‌های خود کرده‌اند (اوگاندا، نیجریه، افغانستان و...); برخی نیز با اهدافی چون کاستن از هزینه‌ها تعداد استان‌های خود را کم کرده‌اند (ارمنستان، نیجر، لهستان و...) و یا کشورهایی مانند اندونزی و کره جنوبی همزمان با افزایش جمعیت و سرانه تولید ناخالص ملی اقدام به ایجاد استان‌های جدید کرده‌اند. با این وجود در مقاله روشن شد که بسیاری از کشورهایی که تغییراتی نداشته و یا حداقل تغییرات را در سازماندهی سیاسی فضای خود ایجاد کرده‌اند، در دستیابی به اهداف خود موفق‌تر عمل کرده‌اند. این استراتژی که افزایش و یا تغییر در الگوی سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا به اهداف توسعه‌ای، امنیتی، اقتصادی، مدیریت جمعیت کشور و... کمک خواهد کرد، ایده‌ایست که طی قرن اخیر کشورها دنباله‌روی آن بوده‌اند، اما تحولات

نیم قرن اخیر نشان می‌دهد که این ایده نمی‌تواند در مدیریت سیاسی فضا چندان موفق عمل کرده باشد.

سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا در داخل کشورها، نمی‌تواند بدون تأثیرپذیری از شرایط جهانی و منطقه‌ای باشد. چنانکه در چهار دوره مورد بررسی به ویژه در دوره اول (۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵ میلادی) و دوره سوم (۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ میلادی) که همزمان با تحولات مهمی چون پایان جنگ جهانی دوم و پایان جنگ سرد است، تغییرات قابل توجهی در سطح اول سازماندهی سیاسی فضای بسیاری از کشورهای جهان روی می‌دهد. لذا عوامل پنج‌گانه مورد بررسی، همراه با تحولات جهانی سبب ایجاد تغییرات گاه اساسی در تقسیمات کشوری شده است. به طور کلی کشورهای که افزایش در تعداد استان‌ها ایجاد کرده‌اند، با شاخص‌های رشد داخلی در جمعیت و گاه در توسعه و درآمد سرانه ملی مواجه بوده‌اند. ویژگی تمرکزگرایانه حاکم بر شکل نظام سیاسی آن‌ها سبب شده تا با افزایش تعداد استان‌ها کنترل و تمرکز خود بر امور سیاسی و اداری را افزایش دهند. اما تجربه کشورهای چون ژاپن و حتی چین که تغییرات اندکی به وجود آورده، نشان می‌دهد این موضوع نمی‌تواند اهمیت داشته باشد. در کشورهایی همچون ایران، ساحل عاج، اندونزی، اوگاندا و... که همواره بر تعداد استان‌های خود افزوده‌اند، ایجاد استان جدید تبدیل به یک سیاست مهم اجرایی و مطالبه مردمی شده، اما نتوانسته دستیابی به رشد و توسعه مطلوب‌تر را نسب به کشورهای با تغییرات اندک یا بدون تغییر ایجاد کند. راهکار اساسی در این پژوهش، ایجاد تقسیمات کشوری سرزمین و جغرافیا پایه در کشورهاست؛ چراکه ایجاد مرزبندی‌های سیاسی داخلی با اهداف جمعیتی، امنیتی و... خود می‌تواند عامل بی‌ثباتی، افزایش هزینه و بزرگتر شدن بدنه اجرایی دولت و... باشد که کشورهای با درآمد بالا، امن، توسعه یافته و بزرگ از آن‌ها گریزانند.

۶. قدردانی

نویسندگان از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس و صندوق حمایت از فناوران و نوآوران معاونت علمی ریاست جمهوری، به دلیل پشتیبانی‌های مادی و معنوی در راستای انجام پروژه پست دکتری که مقاله حاضر نیز برگرفته از آن است، تشکر می‌نمایند. همچنین از داوران محرمانه مقاله که نظرات اصلاحی و مفیدی داده‌اند قدردانی می‌شود.

References

1. Ahmadipoor, Z; Ghanbari, Gh; Ameli, A (2008). The Analysis of effective ingredient on the preferment, levels of country's divisions; Case study: Fars province, Tehran, Geopolitics Quarterly, Volume 5, Issue 14. **[In Persian]**
2. Ahmadipoor, Z; Ghanbari, Gh; Karami, Gh (2014). The political Organization of Space, Tehran: National Geographical Organization Publication. **[In Persian]**
3. Ahmadipoor, Z; Mirshekaran, Y; Bernard, H (2014). Political Organization of Space in Unitary Systems, Tehran, Geopolitics Quarterly, Volume 10, Issue 35, pp 176- 199. **[In Persian]**
4. Alimohammadi, A; Ameli, A; Ghanbari, Gh (2008). Feasibility Study of Use of GIS in Determining Administrative-Political Central Units ase study: City of Karaj, Tehran: Geopolitics Quarterly, Volume 4, Issue 11. **[In Persian]**
5. Akhbari, M; Yadollahi, M (2005). The decision - making process in division of khorasan province and Its political and social impact, Geopolitics Quarterly, Volume 1, Issue 2, pp 27- 55. **[In Persian]**
6. Azami, H; Dabiri, A.A (2011). Analysis of space political divisions system in Iran, Tehran, Geopolitics Quarterly, Volume 7, Issue 22. **[In Persian]**
7. Blacksell, M (2006). Political Geography, London and New York: Routledge.
8. Hafeznia, M.D (2000), The Principles of Sociopolitical Studies; Vol 1, Qom: The Organization of Howza and Islamic Schools. **[In Persian]**
9. Hafeznia, M.R; Kavianirad, M (2004). The New Approaches in Political Geography, Tehran: samt . **[In Persian]**
10. Hafeznia, M.R; Kavandikateb, A (2017). Raison d'etre of Iran, Tehran: Samt. **[In Persian]**
11. Hajdu, Z (1988). Reforms of Administrative Division in Hungary: <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.1013.3216&rep=rep1&type=pdf>.
12. <http://data.un.org/en/index.html>.
13. <https://databank.worldbank.org/reports.aspx?source=2&series=SP.POP.TOTL&country=>
14. https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_administrative_divisions_by_country#Administrative_divisions_with_ISO_3166.
15. <https://mapchart.net/>.
16. <http://worldpopulationreview.com/>.
17. <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/fields/302.html>.
18. <https://www.iso.org/obp/ui/#home>.
19. <https://www.geonames.org>.
20. <http://www.hdr.undp.org/en/humandev>.
21. <http://www.statoids.com/>.
22. <http://visionofhumanity.org/>.

23. Karimipour, Y (2002). An Introduction in Administrative Division of Iran, Vol 1, Tehran: Iranian Geographical Association.[In Persian]
24. Latif, M. M (2017). Demand for New Provinces in Pakistan, Pakistan Journal of Humanities and Social Sciences, Volume 5, No. 2, Pages 104 – 114.
25. Law, G (1999). Administrative Subdivisions of Countries: A Comprehensive World Reference, 1900 through 1998, McFarland & Company, Inc., Publishers.
26. Mirshekaran, Y (2009). Analyzing the impressive factors on the instability of the country division boundries after the islamic revolution, a thesis requirement for the degree of master of art on political geography, Department of Geography, Tarbiat Modares University.[In Persian]
27. Muir, R (2000). Political Geography: A New Introduction, translated by Dorreh Mirheydar and Seyed Yahya Safavi, Tehran: National Geographical Organization Publication.[In Persian]
28. Rennie Short, J (2003). An introduction to political geography, London and New York: Routledge.
29. Strong, S (1998). Distribution of Power in Federal Countries, edited by: D. Brown & Kincaid, McGill-Queens University press.